



دوشکاه انسانی و مطالعات
مقاله جامع علم انسانی

فلسوف بعید

پرونده سید احمد فرید

سیاوش جمادی
میر احمد میر احسان
سید ناصر ہاشمی زاده
ہرمز بوشہری بوز
اکبر چواری
مختار علیزادہ
حسن رحمانی

سید احمد فرید
رضا داوری
پرویز شیبہ شیبانی
علی اصغر مصباح
بیتون عبدالکریمی
محمد رحیمی
بہروز آرتو



◀ سید احمد فرید

مثنی حاضر که برای نخستین بار در مطبوعات ایران چاپ می شود صورت تحریر شده سخنرانی دکتر احمد فرید است که در سال ۱۳۶۲ در شبیکه دوم مسیماهی جمهوری اسلامی ایران ایراد شده است. این دومین جلسه فلویزیونی فرید در موضوع غریبزدگی است. جلسه اول در تاریخ سیزدهم اردیبهشت ۱۳۶۲ در همان شبیکه ایراد شده است. فرید در این سخنرانی گام به گام به سخنرانی قبلی خود در جاع می دهد. دکتر احمد فرید در این جلسه در ادامه بحث غریبزدگی وضع امروز بشر را نتیجه دنیا پرستی مطلق، پرستش مجاز و اصالت دادن به جمع رعاع می داند و مهم ترین مشخصه عالم جدید را اکنون زدگی و فقدان فکر و ذکر عنوان می کند. به نظر او، اکنون انسان در فتنه و فسون صورت خلعت و جهان زیر سیطره بیق های تبلیغاتی فسونگرانه است. بنابراین خاطر انسان فقط با تزکیه تفکر و مبارزه می تواند از نقوش پراکنده در اوقات خاصی پاک بشود و رقم فیض به سر وقت و سراغ او بیاید. در این میان، روش هر منو تیک (زند آگاهی) اهمیت خاصی دارد. روش هر منو تیک عبارت از فهم و درایت و فراموش فقیهانه است. دوره جدید در جهتی مقابل هر منو تیک قرار می گیرد. در بحث های هر منو تیک زبان و کلام مطرح است و تأمل در آن، همواره می تواند راهگشا باشد.

از دست اندر کاران بنیاد حکمی و فلسفی دکتر فرید که مثنی این سخنرانی را در اختیار خردنامه قرار دادند، تشکر می کنیم.

در جلسه گذشته بنده فهرست نامی از مطالبی که در نظر دارم تحت عنوان «غریبزدگی و بحرانی آن در روزگار کنونی» طرح کتب به عرض رساندم. چنان که ملاحظه فرمودید، تیرگان آن مطالب را به تلاوت آیاتی از کلام الله مجید از جمله آیه در باب ام کتاب و لوح محفوظ و مسئله محو و کتابت معبر کردم به مناسبت تأویل حوالت تاریخی. اجمالاً اشاره کردم که ام کتاب به فارسی عبر نوشتن می شود یعنی حکم ازلی، مقابل آن راه به فرقه عرض کردم پرس کریمون (prescription) می شود مشتق از لکسکر، و (Scribo) یعنی می نویسم. چنان که در کلام الله مجید «کتب علی» آمده است. یعنی حکم کرد در طرح مسئله فضا و قدر و از اینجا معنای تاریخ و معنای تعبیر حوالت تاریخ با خواندن آیاتی از حافظ کلام الله مجید، ششمار و مختصر و نامی کردم که در این جلسه بایستی تکرار کنم. گرچه وسالتی به به کوشش دهند آن قدری دل که توانی بکوش (یعنی به صرف کوشش خود ما) به سعی خود تکیه بر روی به گوهر مقصود بجای بود که این کاری حواله بر آید (گفته تنها به سعی خود ما) قسمت حوالت به خرابات می کند.

هر چند کاین چنین شدم و آن چنان شدم صوفی صومعه عالم قدیم لیکن حال پذیر معانی است حواله کلامی این آیهت را امروز اضافه می کنم: من ملک بودم و فردوس برین جایم بود. آدم آورد در این دیر خراب آبادم من که مالول گشتی از نفس فرشتگان فال و مغال عظمی می کشم بر تری تو قومی به جدو جهد گرفتند وصل دوست قوم دگر حواله به تقدیر می کنند.

فرشته تاریخ و علم نماند این انسان است که به معانی مختلف عالم و تاریخ دارد در باب انتقال چک و برات و حواله به معنی اسروزی، چنان که همه

غریبزدگی

می کنیم، چه شده است؟ چه حوالتی است؟ همه این تعبیرات رفته است در بانک های شحت (۱) و بازده آخر زمان؟ اصل و ریشه این کلمات صک و چسک و برات و حواله با «چهر» فارسی قدیم و «چهر» هم ریشه و هم معنی است. بنده در جوانی پدم هست که این بیت حافظ کلام الله مجید در روزنامه ها همواره تکرار می شد: قوم یه جد و جهد گرفتند وصل دوست قوم دگر حواله به تقدیر می کنند.

من به جوانان روی می کنم و سوال دارم که معنی این بیت آیا توجه به حواله اسروزی به نظر شما چیست؟ آیا تا به حال این بیت توجه شما را جلب کرده بود یا نه؟ چه فکر می کنید؟ برای من از فرط فکر، از مکررات شده است بیننده ابواب امروز چنین است که گویی غریب ها به آنجایی که باید می رسیدند به جد و جهد میسند وصل پیدا کردند به چه؟ به امری نفس خود مردم دگر هم که ما مسلمین هستیم حواله به تقدیر می کنیم. «قوم دگر» حواله به تقدیر می کنند. ملاقات دگر تأمل لازم است چیزی را به چیزی گرفتن، پندار می شود پندار از زبان شناسان گفته اند یعنی به آن داشتن این تعبیر، یونانی و آلمانی هم دارد چیزی

غیر تو خیدی اسروزی منتقل می شود. در این گونه مسائل ۲ خطر هست خطری «محمود» و خطری «محموم» می باشد از ازلان مشروطه به این طرف چند در باب مولانا سخن گفته شده است و جقدر در باب حافظ کتاب نوشته شده. ورد این بحث آن می شو با ما باید به رسم که مطالب عنوان شده اراجع به عرفان و تصوف تا چه اندازه حاکم و نفاذ شده با غریبزدگی فرین بوده است و نمی توانست که نباشد حافظ که هیچ دستاویزی بود برای ایا حایت غریزه مطلق اما باید «فلسفی از دیوان حافظ» (۲) را از نو بخوانید. آنگاه ببینید که چه نسخ کتاب های منحوس به خصوص در باب حافظ چاپ شده است. گاهی هم طوری بوده است که اگر این مطالب از تباطلی هم با خواجه حافظ پندامی کرد، مستلزم پند بردن به «قرابت» روی بر گردانند و «قرابت» و سیامت است. زمان خواجه این طور بوده که خرابات داشتند. این کلمه یک ریشه اصلی دارد که به یونانی کوریبانت (Korybant) و کوریبانتیسموس (Korybantismus) گفته شده. چه توضیح خواهم داد که این کلمات چیست؟ کوریبانتیسموس یا خلیبانتیسم





چيست؟ يكي از امانتي متداول زيان حافظ هم خراب آباد بوده است.
من ملك بودم و فردوس برين جايم بود
ادم آورد در اين ديز خراب آبادم
به معنای مختلف لغت علم و تاريخ پيدا كردم:
دنيا و عشي پيدا كردم: بي علم شدم، عالم انسانی
پيدا كردم، تشبه به شيطان پيدا كردم، تشبه به
فرشته - كه عالم ندارد - پيدا كردم در اين باب
بعد توضیح خواهیم داد، خرابی آيه امانتی
خراب شدن از بی عالمی فرشته و خرابی از عالم
غریزه مضاعف هر چه بلندتر شیطانی است در
این ۴۰۰ سال تاریخ، ۴۰۰ سال تاریخ شیطان زده
از تمام ادول تاریخی خراب شدن و آباد شدن، در
چه آبادی؟ در آبادی که باطل آن به ظلم و جور
و استکبار منتهی شده و به تعبیری که در جلسه
گذشته عرض كردم، هلك عضوش (۲۳)، جای
آن است که بالاخره همه بنده خود را قیل از هر
کس - توجه کنیم! برای حافظ کلام الله مجید
خراب آبادی معنای محمود دارد نه محمود! حافظ
می گویند خراب شدم و با این خرابی آبادی پيدا
كردم آبادی عبارت از این است که علم پيدا كردم
هیچ موجودی جز انسان عالم نظرد تاریخ ندارد
است. آن عالم دارد با تکل علم دیگر، با تکل تاریخ
دیگر و همین طور با تکل با تکل کلمات دیگری
که! خواهیم گفت، عالم امروزی بشر چیست؟
دنیا پرستی، مطلق و آنچه غربی ها سكو لاریزسیون
و سكو لاریسم می گویند سكو لاریسمی که در واقع
عین لاریزیسیون است اصالت دادن به هنجار
التراع، آن هم هیچ ارتاع غریزه غربی
مطلب دیگر که باید اضافه کنیم، توضیحی
در خصوص حدیث معروف به سوال کمیل بن زیاد
از علم عالم (ع) در باب حقیقت است که حضرت

مراعات احکام شرع نکنیم اینها مسأله است که
مخصوصاً در زمان امروز، چادمان جهان توجه شود.
مطلب دیگری که در جلسه گذشته [به
اجمال گفتیم و در این جلسه بزرگ هم به آن اشاره
می کنیم، ولایت و ولایت است] و تعبیری از
پلی تالیما [politicial] افلاطون کردم پنجاهم
از آن تعبیر می کنیم به کتب «ولایت و ولایت» یا
ولایت نامه که معمولاً به «جمهوری افلاطون» و
بعد هم «جمهور» ترجمه شده است البته معنای
این جمهور را خواهیم گفت که چیست و غلط هم
نیست ولی به روش لاتینی، جمهور را به «جمهوری
ترجمه کرده اند. لاتینی ها [res publical] گفته اند
که به معنی امور عفو و امور جمهوری
مردم است. ولی یونانی پلی تالیما [Politicial] با
کلمه ولایت هم ریشه و هم معنی است. بدین لحاظ
لازم بود در این جلسه مسئله جمهوری و جمهوری
اسلامی را که اهمیت یا ولایت اسلامی است آن
هم به رهبری مقام ولایت امر و ولی امر طرح کنیم
- «الاسمه تنزل من السماء» به توضیحاتی که در
باب اسما گفتیم - و باید اضافه کنیم کلمه «قرنی»
به صورت وحشی آن «قرنیه» به چند معنی در
کلام الله مجید آمده است: یکی به معنی قرب است
که یونانی آن پلاس [plaso] می شود و ترکیبانی
دارد مثل پلازو [plaso] یعنی نزدیک شدن،
پلاتیس [pelatis] که هم مولی و هم مولی است
چند معنا هم دارد و حتی معجزات آن نیز در مولی
و مولی موجود است یکی «پایسی مازوس» به
معنی نزدیک بودن، نزدیک شدن، متولی امری
اولاً متعلقی امری بودن است. کلمات دیگری
هم هست یکی هم پلازو [plaso] یعنی قربت و
قریبی بنا بر این ادراک ولایت مطلب این است که در
تاریخ اسلام ادراک خصوص مسئله جانشین پیامبر و
نظار اهل جامعه، زمان طوری بوده که نمی شد
وقت آن نرسیده بود که به نحو وحشی، ولایت
با ولایت جمع بشود به عنوان اینکه ولایت باطن
ولایت باشد - نه بلکه جمع آن وحدت است - به
تعبیری از صاحب منظومه «الانفس فی وحدتها
کل القوا» نفس انسان در هر دوری کل قواست
و تناسل ممانت غرضی است انسان جدید با همه
اختلافات یک نفسی دارد که در وحدت خود کل
قواست این وحدت چیست؟ مظهر برای طاقوتی
است که مضاف شده و خود دانسته و دانسته
طاقوت است.
نکته فلسفی که ابتدای عرایض به آن اشاره
كردم همین است، آیا اینکه فعلاً ۴۰ سال است از بعد
انقلاب بنده شروع کرده ام به حرف زدن، از سخن
همین مطالب که فعلاً درم عنوان می کنم و در هر
هفته اقلاً ۴ ساعت مسائل مختلف را مطرح كردم
بدون آنکه خواسته باشم مطالب حکم درسی داشته
باشد آیا! آنکه به تمام به قول فرنگی ها «اکتو البته»
احرف های امروز آمد و روزنامه ای، باشد در اوقات
و احوال آن روز اول انقلاب آنمی نوشتیم که
فقط لوح بگیرم و بر برج عاج و به پیش پای خود
نظر نداشته باشم و این بیت حافظ را می خوانم:
خاطر کنی رقم فیض پذیرد هیبتان اماگر از
نقش پراکنده ورق ساده کنی
مطلب مفصلی عنوان كردم که بعضی از آنها
بالتسبه تکرار هم نیست ولی باز عنوان خواهیم كرد
امروز عنوان، نام مؤلف و سال تألیف چند کتاب را
عرض خواهیم كرد اولی از کتاب های «آین گامی
است که چندین سال قبل بنده آن را خواندم،
پانزده عنوان و بعضی مطالب آن در بنده تأثیر
كرد، آنویسنده این کتاب آدم مشهور و مهمی هم
نیست ولی خب متدین به دیانت مسیحی است.
عنوان کتاب این است «انسان در فتنه و فسون
صورتها» اضافه کنیم خیال و بزرگشاه کنی، بخر
امروز در فتنه و فسون صورت های پراکنده است
- عنوان آن در باب «Bild» و نقوش امروزی و
نقش علمی و نقوش لوهمی و خیالی است. به هر
صورتی کار اساسی نیست و تزکیه نفس می خواهد
انها خاطر انسان از نقوش پراکنده در اوقات خاصی

روزنامه
۱۹



پاک بشود و رقم قبض به سر وقت و سرخ او بیاید. پیداست در عصر حاضر اگر مطالعه تکمیل و مثل جوانان کتب نخوانیم و پژوهش نداشته باشیم هر روز بیشتر در تلاش کسب معلومات تماشیم. خب هملی که نمی خواهیم

عالم امروزی بشر چیست؟ کذب و سستی مطلق و آنچه غربی ها سکولاریسم و سکولاریسم می گویند واقع عین لائیسزاسیون است. اصالت دالین به هاشم الی غایغ «آن هم هاشم الی غایغ غریزه شرب روایات اخبار واحدیست کلام الله مجید و تفسیر آن هیچ ایلائے و غیره عجیب مطالعه می کنند. خلاصه مردم این است که اجمالا بیان کنم در میان روش های جورواجور امروزی غرب باین همه نقوش پراکنده چه منبع و چه روشی می خواهیم برای خود اختیار کنیم نام این روش و منهج را می گنایم هرمنوتیک (Hermeneutik) است. ما می گنیم نغمه ای که زبان همگان حرف بزن. چه بسا کلمات قرونکی هست که به زبان ما آمده و اصلا توجه هم نداریم که کلمه فرنگی است. بنده هرمنوتیک را عموماً با هرمنوتیک (Hermeneutik) می گویم تا مقایسه کلمات مغایر متعدد عربی و فرسی آن روشن شود که مردم از بحث هرمنوتیک و راه و رسم هرمنوتیک چیست؟ همین اندازه عرض می کنم که این کلمه مشتق از هرمنوس (Hermos) است از جمله جاری اومنیاس است که کتاب ارسطوس است مبحثی از منطق که سطوح که مبحث فضاها گفته شده و به تمیزی حول شرح این (S) که به peril ermencia اضافه شده (periermencias) شده یعنی یونانی یعنی در باره جاری اومنیاس یعنی در باره فضاها در باره در کتب عربی به «کتاب القیاس» ترجمه شده در «فلسف الاقیاس» گزاره گفته شده و در ایات ناصر خسرو گزاره آمده است اصل کلمه «گزاره» و ریشه اصل عربی آن نیز آمده است. تفصیل اینست که گاهی با یک کار برهن مترادف این کلمات گرفتاری حاصل می شود. در هر صورت به یاد گذشته هندی ها و «کتاب العجالی» و «کتاب الاسرار» به اصطلاح کتاب اویلیانها ۱۰ انبیسوزندا گاهی را برای هرمنوتیک اختیار کرده ام. او آن را با هرمنوتیک و «گزاره» و «گزاره» و «گزاره» می گویم. این کلمات یک قدری معانی مختلف پیدا کرده برای گزارندگی و گزارشگری تدبیری می شود کرد چنان که «چون من» یعنی گزارشگر به یک معنی سابق قریب به معنی فیه است لیا. مثلا عنوان یک کتابی در کلام زردشتی گزارش هستند گملیک و «چون من» است «چون من» یعنی گزارش آراء هستند گملیک: آری که از رای اصل جدا شد. حجت البته بنا به نظر آن متکلم زردشتی از خب بالاخره هر متکلمی از رای دفاع می کند معنی تعبیر و تفسیر و تویل و فصل فرامد توضیح خواهیم داد.

آخر عصر حاضر و در این پایان تاریخ مرتب در زمینه هرمنوتیک کتاب نوشته می شود. جریان هایی هم هستند که می توان گفت برای پژوهش و تحقیق مخصوصاً در حکمت و علوم انسانی راه و رسم پیشنهاد می کنند عدای هم دیالکتیک (Dialektik) را مطرح می کنند که فعلاً محتاج تفسیر نیست تا در موقع مقتضی در مقایسه از نو توضیح دهم که دیالکتیک چیست؟ عدای هم فعلاً خیلی در غرب رواج پیدا کرده اند.

که من از آنها دفاع می کنم و تمبیری دارند که از من نیستند و کتبی است که به آن رجوع خواهیم کرد و اسم مزلت آن را خواهیم گفت (La) در فرهنگها ببینید به فرانسه لاسیانتیک (Lascientifique) می گویند و لگالسی آن مد اینتیمیک (Scientific) می شود یک جهت دیگر هم هست که در پژوهش و تحقیق فلسفه و حکمت علوم انسانی و علوم دینی بنده می خواهم تلخ آن باشم نه اینکه یکدفعه خودم را گم کنم. در این جریان که نام آن را جریان هرمنوتیک یا هرمنوتیک گفتیم و آن کسی هم که این روش را در ده به فرانسه هرمنوت (Hermeneutik) و به یونانی هرمنوس (Hermenos) می گویند و اصل این کلمه هرمنس (Hermes) است. معانی مختلف این کلمه را بعداً توضیح خواهیم داد که هرمنس چیست و اینکه در اسلام هرمنس الهی است و کلمات دیگر هم معنی آن چه بوده؟ که امروز از یاد رفته است. به هر حال «کتاب العیال» را کتاب تعبیر، تفسیر و تویل و فضاها گفتند.

فعلاً شروع می کنم به معرفی کتابهایی که بیشتر آن عدای است تمدنی هم فرانسه است. بنده ابتدا از ۲ جلد کتاب فرانسه شروع می کنم. قبلاً باید بیاورم شوم مجسمی «کولگی» مثال های قبل در رم تشکیل شد که اندازه کنند آن «کاستنی» اینجایی بود و فضاها مطالب خود را به فرانسه بیان می کرد و در اصل هر ۱۹۶۷ مسرد در این «کولگی» حدود ۲۵ نفر دور هم جمع می شدند و با هم بحثها جلسه فریب میاقت مختلف سخن می گویند آنها غالباً غربی هستند گاهی از آمریکا و از آلمان هم کتبی به این مجمع آمدند این مجمع تا به حال حدود ۱۶ جلد کتاب چاپ کرده است که فعلاً سه جلد آخر آن در دست بنده است. این ۳ جلد کتاب عنوانی مختلفی دارند اما زمینه فلسفی میاقت آن دین و سیاست است. بهرمان جهان طوری است که مسئله دین و سیاست موضوع میاقت قرار گرفته است. انتشار این کتب نشانه آن است که غربی چه متعلق به کلیسای کاتولیک باشد و چه پروتستان از این به بعد دیگر نمی تواند فقط به کتاب اعتقاد داشته باشد - معنی فحشایی که می گویند این است - و خارج از کلیسا و دین مسئله دین و سیاست برای او مطرح نباشد و بدون اینکه اکثر اینها بر چندی دین و سیاست اسوار داشته باشند به تعبیر بنده اینها چندی ولایت ولایت - حتی کتبی هم هستند که صراحتاً ولی با احتیاط از جمع سیاست و دین دفاع کرده اند مثل «پایکاز» بعد شاید معرفی کنم که «پایکاز» چیست؟ به هر صورت هم است و ولایتکان دستهای او متکلمان و تنور سببها منظم و وحی طراز اولی سرخ دارم که حتی به عنوان دین و سیاست دارند از ولایتکان چنان می شوند کلیسای مسیحی به نام همیزه اصطلاحی در اینها برای آنها خط و نشان می کشند همنس کوپو - استاد طراز اول کلام دانشگاه گوتینگن مسئله مهمیست و این کاره بود که آیا پاپ معصوم از خلافت است یا نیست؟ آیا خط و نشان میز او کمتر شد؟ بعد از همنس کوپو سروصلای دانشگاه و چولان بلند شد که چرا کرسی علم و دین را از او گرفتند؟ کم کم جریان به جایی می رسد که اگر نمی تواند جای دفاع دل پاکل آخر از زمان را از سیاست و دین به معنی حقیقی قبیل از دوره جدید بگیرد این شاهانه علت این است که ملاحظه کنید الان مسیحیت می خواهند نسبت به انقلاب اسلامی توجه پیدا کند. لو این حالت تاریخی است.

کتاب دیگری است از عدای که توجه به مسئله هرمنوتیک (Hermeneutik) و فلسفه چیست (حاضرند) به نام هرمنوتیک سکولاریسم و بیبید این سکولاریسم و لائیسزاسیون یا خدوی کردن هر چیز و فراموش کردن آن است. آخرت برای دنیا و دنیا پرستی همه است. حالا چرا امروز در من از آنها دفاع می کنم و اسم مزلت آن را خواهیم گفت (La) در فرهنگها ببینید به فرانسه لاسیانتیک (Lascientifique) می گویند و لگالسی آن مد اینتیمیک (Scientific) می شود یک جهت دیگر هم هست که در پژوهش و تحقیق فلسفه و حکمت علوم انسانی و علوم دینی بنده می خواهم تلخ آن باشم نه اینکه یکدفعه خودم را گم کنم. در این جریان که نام آن را جریان هرمنوتیک یا هرمنوتیک گفتیم و آن کسی هم که این روش را در ده به فرانسه هرمنوت (Hermeneutik) و به یونانی هرمنوس (Hermenos) می گویند و اصل این کلمه هرمنس (Hermes) است. معانی مختلف این کلمه را بعداً توضیح خواهیم داد که هرمنس چیست و اینکه در اسلام هرمنس الهی است و کلمات دیگر هم معنی آن چه بوده؟ که امروز از یاد رفته است. به هر حال «کتاب العیال» را کتاب تعبیر، تفسیر و تویل و فضاها گفتند.

فعلاً شروع می کنم به معرفی کتابهایی که بیشتر آن عدای است تمدنی هم فرانسه است. بنده ابتدا از ۲ جلد کتاب فرانسه شروع می کنم. قبلاً باید بیاورم شوم مجسمی «کولگی» مثال های قبل در رم تشکیل شد که اندازه کنند آن «کاستنی» اینجایی بود و فضاها مطالب خود را به فرانسه بیان می کرد و در اصل هر ۱۹۶۷ مسرد در این «کولگی» حدود ۲۵ نفر دور هم جمع می شدند و با هم بحثها جلسه فریب میاقت مختلف سخن می گویند آنها غالباً غربی هستند گاهی از آمریکا و از آلمان هم کتبی به این مجمع آمدند این مجمع تا به حال حدود ۱۶ جلد کتاب چاپ کرده است که فعلاً سه جلد آخر آن در دست بنده است. این ۳ جلد کتاب عنوانی مختلفی دارند اما زمینه فلسفی میاقت آن دین و سیاست است. بهرمان جهان طوری است که مسئله دین و سیاست موضوع میاقت قرار گرفته است. انتشار این کتب نشانه آن است که غربی چه متعلق به کلیسای کاتولیک باشد و چه پروتستان از این به بعد دیگر نمی تواند فقط به کتاب اعتقاد داشته باشد - معنی فحشایی که می گویند این است - و خارج از کلیسا و دین مسئله دین و سیاست برای او مطرح نباشد و بدون اینکه اکثر اینها بر چندی دین و سیاست اسوار داشته باشند به تعبیر بنده اینها چندی ولایت ولایت - حتی کتبی هم هستند که صراحتاً ولی با احتیاط از جمع سیاست و دین دفاع کرده اند مثل «پایکاز» بعد شاید معرفی کنم که «پایکاز» چیست؟ به هر صورت هم است و ولایتکان دستهای او متکلمان و تنور سببها منظم و وحی طراز اولی سرخ دارم که حتی به عنوان دین و سیاست دارند از ولایتکان چنان می شوند کلیسای مسیحی به نام همیزه اصطلاحی در اینها برای آنها خط و نشان می کشند همنس کوپو - استاد طراز اول کلام دانشگاه گوتینگن مسئله مهمیست و این کاره بود که آیا پاپ معصوم از خلافت است یا نیست؟ آیا خط و نشان میز او کمتر شد؟ بعد از همنس کوپو سروصلای دانشگاه و چولان بلند شد که چرا کرسی علم و دین را از او گرفتند؟ کم کم جریان به جایی می رسد که اگر نمی تواند جای دفاع دل پاکل آخر از زمان را از سیاست و دین به معنی حقیقی قبیل از دوره جدید بگیرد این شاهانه علت این است که ملاحظه کنید الان مسیحیت می خواهند نسبت به انقلاب اسلامی توجه پیدا کند. لو این حالت تاریخی است.

کتاب دیگری است از عدای که توجه به مسئله هرمنوتیک (Hermeneutik) و فلسفه چیست (حاضرند) به نام هرمنوتیک سکولاریسم و بیبید این سکولاریسم و لائیسزاسیون یا خدوی کردن هر چیز و فراموش کردن آن است. آخرت برای دنیا و دنیا پرستی همه است. حالا چرا امروز در من از آنها دفاع می کنم و اسم مزلت آن را خواهیم گفت (La) در فرهنگها ببینید به فرانسه لاسیانتیک (Lascientifique) می گویند و لگالسی آن مد اینتیمیک (Scientific) می شود یک جهت دیگر هم هست که در پژوهش و تحقیق فلسفه و حکمت علوم انسانی و علوم دینی بنده می خواهم تلخ آن باشم نه اینکه یکدفعه خودم را گم کنم. در این جریان که نام آن را جریان هرمنوتیک یا هرمنوتیک گفتیم و آن کسی هم که این روش را در ده به فرانسه هرمنوت (Hermeneutik) و به یونانی هرمنوس (Hermenos) می گویند و اصل این کلمه هرمنس (Hermes) است. معانی مختلف این کلمه را بعداً توضیح خواهیم داد که هرمنس چیست و اینکه در اسلام هرمنس الهی است و کلمات دیگر هم معنی آن چه بوده؟ که امروز از یاد رفته است. به هر حال «کتاب العیال» را کتاب تعبیر، تفسیر و تویل و فضاها گفتند.

دوره سکولاریزم میاقت هرمنوتیک شروع شده است؟ ایضا کتبی است به فرانسه به نام علم دین فراوری تخطی هرمنوتیک که مراد از عنوان فراوری تخطی هرمنوتیک میاقت از این است که هرمنوتیک می خواهد که روزی از نو روزی از نو طرح مسئله کند تا جایی که حتی دین و سیاست را با هم جمع کند این کتابها از دهه ۸۰ تا ۸۰ به چاپ رسیده است.

در باب هرمنوتیک اجمالا عرض کنم که با مراجعه اصل کلمه به سانسکریت روش هرمنوتیک عبارت از فهم و درایت و فراست تفرقه است. بنده هرمنوتیک را مطرح می کنم و امیدوارم بین تکلیف و تمتع لو ابلون هر مردمانی از عهده آن برآیم زیرا آنچه سالها جست و جو است اصلاً آنچه در تاریخ اسلام غالب است روش تفرقه به معنی عام لفظ تفرقه اکبر و اصغر است تفرقه یک معنی خاص و یک معنی عام دارد تفرقه با توضیحی که خواهیم داد بایستی فرین با فهم درایت فراست و لطافت قریحه باشد. آنرا روش لاسیانتیک (Lascientifique) و عاوش علوم جدید روشی مربوط به علوم طبیعی و ریاضی که می نامیم حتی کلمه علوم طبیعی و ریاضی یا روش لاسیانتیک به کجا کشیده به صورت علم و صنعت صنعت را می نامیم خواهیم کرد که در عصر حاضر چیست؟ دیالکتیک هم می بخشد که در هر حال چه بود و اصلاً دیالکتیک شکل چه و راست چیست بحث مستحکم و مستضعف در کتب قبلی فراوان است به نام خواجه و بنده شما مطالعه کنید ببینید شکل به اشتی مستحکم و مستضعف می رود حقیقت این چنین است آنکه به سواد نفس امامه مستحکران انجام شود. حال ما خیال می کنیم اگر بزرگتری و طبقات و پرولتاریا و این حرفها را مطرح کردیم کار درست می شود باید دید کسی که فریبی منظر آن هست چیست؟ اگر سبب سببانه نبود آن وقت چه؟ اگر ما در همان نبی ستفکاری باقی بودیم چه؟ و حال برآیم جامعه بی طبقه درست کنیم باید بگویم این جمله بی طبقه تدبیر است که است و محل است این چیزی است که نیست و نمی شود با آن مبارزه کرد البته مسئله مبارزه را توضیح خواهیم داد که در مقابل دیالکتیک خود بنده چه به صورت چه و چه راست یک جهت ضد دیالکتیک هم هست و اگر تنها موضع ضد دیالکتیک گرفتند کافی نیست گاهی ممکن است به نام لاسیانتیک دفاع فلسفه باشد هر دو باشد ایضا بگویند دیالکتیک باطل است دیگری می گویند لاسیانتیک باطل است از این حرفهایی که هر طرفی می زند او در باب دیالکتیک بگویند سن علمی فکر می کند حال علم به چه معنی؟ علم چندین معنی دارد به زبان شکل و المانی (Wissenschaft) غیر از ساینس (Science) است و ساینس به فرانسه است آن دیگری برآید منطق صوری را هم اضافه کند مثل بحثهای فلسفی به هر حال دوره جدید در یک جهتی است که به عقیده بنده در مقابل هرمنوتیک است و این عبارت از منطق باقی کم است که بگویم اینکه از منطق درای های معاصر است که درایش کلمه و کلام امری را گفته اند درایش در مقابل سرباش است. در باب این منطق درای های جورواجور مرتب کتاب منتشر می شود بعد گفته یکی از هرمنوتها (را) در این باب مطرح خواهیم کرد منظور از اصطلاح هرمنوتها زنده گمان معاصر غرب است البته این درست نیست که بگویم هرمنوتها گمانی از نیست انگیزی گذشته است غالب آنها در نیست انگیزی و در اشرفی الان زبان بشر هستند که می بینند به کجا رسیده است در این بحثهای هرمنوتیک همواره زبان مطرح است که توضیح خواهیم داد زبان چگونه در آخر زمان تاریخ مطرح شده است حاضر بحثهای منطقی وقتی که به درایش می روند آخر آن چیست که این مسائل فراوان سخن گفتند.

کتاب بشر امروز به اشرفی لیلله بالی زبان

کشیده است به تعبیر یکی از این هرمنوتها «لیلله زبان» کلمه آلمانی آن می شود Sprach... و به فرانسه بیلونش (لوان) یونانی آن را بیلونیا است. یکی از متعلقین معاصر که تمام کارش بحث در پوزیتیویسم، نئوپوزیتیویسم و منطق های جورواجور است و کتاب های خود را به آلمانی نوشته و به زبان انگلیسی هم ترجمه شده است. یک کتاب مفصلی در زمینه مسئله لوان است و متعلق آنالیتیک و از این حرفها در هر باب این متعلقین و مناطقه معاصر که بنده می گویم منطق رایان و منطق انجیل - بعد توضیح خواهیم داد که منطق انجیل و سبلیک چیست - امروز آریه آن از منطق رومی می گویند آنها گفته اند به بلیه و حرف همدیگر را نمی فهمند این گفته آخر زمان است. حال بنده نمی خواهم عرض کنم که این دسته حرف همدیگر را نمی فهمند هرمنوتیک آن هم به لغاتی همین طور است. دیالکتیکش را هم جدید چه حرفها که نزدند؟ واقعا بنده سرخ نثارم و نمی دانم کسی که این مسئله و دیالکتیک را درست بیان کند اینکه تناقض چیست تضاد چیست اقسام تضاد چیست همین طور حرفهای در هم و بر هم در آشفته بازار مگره آخر زمان گفته می شود. در مسائل حکمی و عقلی چنین است که در جنب طرح مسائل همواره باید در تکیه فراموش نشود و اول بنده برای خود یادآوری می شود.

خاطرات کی رقم قبض پذیرد در هفتا مگر از نقش پراکنده و بی سادگی کنی این هفتش پراکنده لازم نیست که خموش باشد نه ممکن است کسی این علوم فلسفه و معلومات را آنخوانده باشد اما لطف الهی شامل حال او است و می بیند آنکه اقوال افعال اعمال و خاطر او از نقوش پراکنده ساخته شده و باین سادگی خاطر از جمهوری اسلامی دفاع می کند این جوانان لازم نیست معلومات داشته باشند این جوانان که الله اکبر گفتند چه بود؟ باین الله اکبر که گفتند خاطر آنها از نقش پراکنده ۲۵۰۰ سال تاریخ پاک شد.

من همان دم که وضو ساختم از چشمه عشق چلر تکبیر زدم یکسره بر چه چه هست این چهار تکبیر چیست؟ از لحاظ فقهی و اهل جماعت در نظر میت چهار تکبیر می گویند ما شیعیان پنج تکبیر، حالا بنده در این نزاع های جزئی وارد نمی شوم ولی تکبیر جوانان ما طله اکبر و آنها آخرین یا مرفن و زنده شدن به حیات اسلامی را به حیات پر سرور و پس فرنا بود اینها آماده گرامبول و منتظر اسبیل ظهور مهدی موعودند. الان سمنی بنده این است که در باب فقهایی می خواهم هر چه بیشتر احترام داشته باشم و بالاخص در عرس نهج البلاغه و نوروسی که از کلام الله مجید بحث می شود آنرا هر کدام کسب فیض کنم. روش بنده نیز فقه است درایت فراست و فهم در جهت اسلام است سمنی من این است که معاصله و معاصله نباشد امیدوارم که احسان بحدود که دلم راست می گویند معزم می گویند و وجود می گویند که هر روز سخن همه همه جملات و خطبه ها را گوش می دهم و اگر دوباره آنها را مطالعه نکنم ناراحت هستم عرایض آخر این جلسه انجام شد و شما را باز هم به لطفه راه و رسم تفکر و فطانت و پیروی از مقام منبع ولایت فقیه می سپارم و آنچه عرض کردم در باب روش تفرقه و فطانت امیدوارم این توضیح را داشته باشم که جلسه آینده در این باره تفصیل بدهم.

بایاتوستها

۱- سنت سال حرمان کسب باید
۲- کتب هفتی از منطق هفتی علی دشتی
۳- اندازه به حدیث نبوی است باین مضمون
اصطلاحی است ازین سه متن تکون ملکا عموماً
تکلیف ضوضی همنس حکومت علم و چهره است
۴- قرآن چیست که لغت - تم جماعت سخن پسر اتراس
در عصر حیرت حاصل بیروا نیست به علی این مطالب کردند
و لایه از آن متکلم هستند